

هراسی بزرگ و نمایشی مضحک

دولت‌های فاسق و فاسادگرا

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

با گذشت بیش از چهار دهه تعرض جمهوری اسلامی به انقلاب و دستاوردهای آن، از حمله به کارخانه ها و «انقلاب فرهنگی» و یورش به کردستان، با گذشت بیش از چهل سال از مقاومت و دفاع مردم کردستان از انقلاب و دستاوردهای آن، دستگاه انتشار دروغ و تحریف و جعل رژیم دست به پخش «مستند»ها و سربالهای مهندسی شده علیه این مقاومت و سازماندهندگان آن زده است. جمهوری اسلامی پس از چهار دهه تلاش و شکست در القاء تصویری وارونه از تقابل مردم و نیروهای چپ و کمونیست در کردستان علیه ضد انقلاب اسلامی، تلاش و شکست در منزوی کردن مبارزه انقلابی مردم و کمونیستها در کردستان، بار دیگر به کمک مشتری فیلم ساز بسیجی و مواجب بگیر خود، تلاشی مضحک در خدشه دار کردن چهره این مقاومت و مقابله قهرمانانه و انقلابی و در راس آن چپ و کمونیسم در کردستان ایران را آغاز کرده است. ... صفحه ۳

سناریوی سوخته «مستند لبه دوم تیغ»

سهند حسینی صفحه ۴

قیام بهمن ۵۷ شکست خورد! زنده باد انقلاب سوم در ایران!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

بیش از چهل سال از انقلاب ۵۷ میگذرد. انقلابی توده ای و عظیم برای دستیابی به آزادی و رفاه که توسط ضدانقلاب سیاه و اسلامی به خون کشیده شد. انقلابی که علیرغم گذشت بیش از چهل سال از آن هنوز بورژوازی به زیر کشیده شده و ضد انقلاب به قدرت رسیده علیه آرمانهای رادیکال و برابری طلبانه آن بیشترین تقابل و جنگ را پیش میرند. دو قطبی که در حقیقت این دروغ که منشا و مبدا حاکم شدن قدرتی به مراتب هیولایی تر از قبل از انقلاب ۵۷ است، مشتک اند! دو قطبی حکومت «شکست خورده» و «سرنگون شده» و حکومت به قدرت رسیده و «پیروز»، که تلاش میکنند جامعه را با قرانت خود از تاریخ تحولات دوران انقلاب محاصره کنند. با این امید که دهها میلیون جوان و نوجوانی که بخش بزرگی از آنها امروز پا به «میانسالگی» گذاشته اند، میلیونها جوان و نوجوانی که طی این چهل سال در جامعه ای با حاکمیتی قرون وسطایی و مخوف جمهوری اسلامی ایران چشم به جهان گشودند، با نفرین انقلاب ۵۷، از هر تلاش و انقلاب دیگری دوری کنند.

این تاریخ اما نزد نسل میلیونی انقلابیونی که یکی از مستبدترین حکومت های دوران خود را به قدرت خود به زیر کشید، نسلی که آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه اش، کمترین ربطی به جریان اسلامی، که به نام این انقلاب برای شکست آن به قدرت رسید، نداشت، تاریخ جدالی پرشور برای آزادی، رفاه، عدالت اجتماعی و برابری است! آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه آن انقلاب، نه تنها با شکست انقلاب دفن نشد، که سینه به سینه و نسل به نسل در اذهان و روح و روان جامعه، جاری است. ... صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

۳۴۴ هفتگی

حکمتیست

۴ فوریه ۲۰۲۰ - ۱۷ بهمن ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود

برزخ واکسن کرونا!

خالکوبی ها نمایان می شوند

فواد عبداللہی

به دنبال کشف فرمول و تولید واکسن کرونا، امیدها به اینکه به زودی باید منتظر بهبود اوضاع جهان شد تمام به یاس تبدیل شده است. رقابت و تصاحب زشتی میان شرکت های داروسازی و دولت های غربی پیرامون تولید و توزیع آن درگرفته است که عملاً چرخه سریع دسترسی به واکسن را مختل کرده است. نشریه «فارن پالیسی» از این وضعیت بعنوان «شکست برنامه توزیع جهانی واکسن کرونا» نام می برد.

اکنون چندین هفته است که جامعه آمریکا با معضل تامین و توزیع واکسن کرونا دست و پنجه نرم می کند. بسیاری از ایالت ها به اندازه کافی واکسن کرونا ندارند و مجبور شده اند برنامه واکسیناسیون ده ها هزار نفر از مردم این ایالت ها را لغو کنند. با وصف اینکه دولت آمریکا برای تهیه صد میلیون دوز دیگر از هریک از واکسن های تولیدی شرکت های فایزر و مدرنا، برنامه خود را اعلام کرده است، با این حال ارزیابی های دولت آمریکا حکایت از آن دارد که این کشور تا رسیدن به ایمنی کامل و بازگشت احتمالی اوضاع به شرایط عادی، ماه ها فاصله دارد.

در قاره اروپا جایی که میزان واکسیناسیون کرونا حتی پایین تر از آمریکا است، بعد از آنکه شرکت انگلیسی - سوئدی آسترانکا اعلام کرد برخلاف وعده ای که داده بود، فقط می تواند ۴۰ درصد واکسن های مورد نیاز کشورهای اتحادیه اروپا را تحویل بدهد، اوضاع به حدی بد شد که مقامات این اتحادیه تهدید کردند تدابیر کنترلی سختی را در کوریدورهای صادراتی - به منظور نظارت بر صادرات واکسن های تولیدی این شرکت - به اجرا می گذارند. همین مسئله کافی بود تا دعوا و کشمکش بر سر فروش واکسن و کسب سود بالاتر میان دولت انگلستان با اتحادیه اروپا تشدید شود؛ همه می دانستند که در پس معادلات پشت پرده، دولت انگلستان و شرکت آسترانکا عمداً می خواهند واکسن کمتری به اتحادیه اروپا بدهند تا واکسن های خود را با قیمت بالاتر در جاهای دیگر بفروشند. کار به جایی کشید که اتحادیه اروپا تهدید به بستن مرزهای ایرلند جنوبی با ایرلند شمالی کرد و برای چند ساعت متمادی در هفته گذشته مرزها را به کنترل خود درآورد.

از طرف دیگر، «نشریه اکونومیست» در تحقیقات اخیر خود اعلام کرده است که مردم و طبقه کارکن در ۸۴ کشور از مجموع فقیرترین کشورهای جهان تا سال ۲۰۲۴ موفق به دریافت واکسن های کافی جهت واکسیناسیون سراسری نخواهند شد. مدتی پیش، رئیس سازمان جهانی بهداشت از این نابرابری در عرصه توزیع واکسن تحت عنوان «شکست اخلاقی فاجعه بار» نام برده بود. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

رقابت سیاسی - اقتصادی دولت‌ها و بورژوازی جهانی بر سر سودآوری بیشتر از این مسئله، عملاً به احتکار واکسن و عدم توزیع برابر و رایگان آن میان شهروندان جوامع ختم شده است. بررسی‌های اخیر نشریه «نیویورک تایمز» نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا به تازگی به اندازه دو بار واکسیناسیون کامل تمام جمعیت خود، قراردادهای پیش خرید واکسن کرونا امضا کرده است. آمریکا چهار برابر نیاز خود قرار داد منعقد کرده است و کانادا شش برابر جمعیت خود.

این رقابت در اوج پاندمی کرونا، برای طبقه کارگر و محرومان در سایر کشورها خردکننده‌تر خواهد بود. بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که در رکود ناشی از پاندمی کووید-۱۹ طی سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، حدود ۱۵۰ میلیون نفر از مردم جهان دچار فقر شدید خواهند شد. در سال ۲۰۱۹، کارگران مهاجر شاغل در کشورهای غربی، مجموعاً ۵۵۴ میلیارد دلار از درآمد خود را برای کمک به خانواده‌های خود ارسال کردند که حدود ۸۰۰ میلیون نفر هستند. برآوردها حکایت از آن دارد که در سال ۲۰۲۰، این رقم به دلیل شیوع کرونا و نرخ بیکاری به یک پنجم تنزل یافت که در تاریخ بی‌سابقه بود. در این حال، با ادامه پاندمی کرونا، منابع درآمدی مهمی که خانواده‌های کارگری زیادی بویژه در خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی به کار و کمک مالی بستگان مهاجر خود وابسته بودند، دچار فروپاشی و انقباض شده‌اند.

واقعیت اینست که بحث حول واکسن کرونا گوشه دیگری از دنیای وارونه و ریاکارانه سرمایه‌داری را به نمایش گذاشته است. دولت‌ها و شرکت‌های دارویی طبق قوانین رقابتی سازمان تجارت جهانی حق دارند دست کم تا ۲۰ سال فرمول محصولات خود را مخفی نگاه دارند. در حالیکه دو میلیون و پانصد هزار نفر در جهان جانشان را از دست داده‌اند، طبقه حاکم و کارتل‌های آن در هر کشور تنها به کشمکش سیاسی و رقابت بر سر سودآوری سرمایه فکر می‌کنند. برخلاف ادعاهای پوچ رسانه‌های دهن‌پرکن، جهان ما به هیچ وجه با کمبود تولید و ثروت مواجه نیست؛ بحث بر سر این است که این ثروت و سرمایه عظیم که محصول کار و استثمار طبقه کارگر جهانی است در دست کیست و صرف چه عرصه‌هایی می‌شود. امروز بیش از همیشه معیشت و بهداشت و رفاه شهروندان جهان به شوریدن علیه قانون «اجتماعی کردن زیان و خصوصی کردن سود» گره خورده است. باید دست دولت‌ها و سرمایه به سودبری مستقیم از بحران کرونا را کوتاه کرد. سودبری از بحران و جنگ و فاجعه باید قلعین اعلام شود. فرمول ساخت واکسن کرونا، تولید و توزیع آن باید از حیطة رقابت در بازار و از دست شرکت‌های عظیم دارویی خارج شود و در اختیار تمام مراجع معتبر و عمومی درمانی و پزشکی در همه جای دنیا قرار گیرد. باید به سه دهه ریاضت اقتصادی خاتمه داد و دولت‌ها را وادار به پرداخت رایگان خدمات اجتماعی کرد. این عقب‌نشینی به بورژوازی و دولت‌های آن امکان‌پذیر است. دنیای پسا-کرونا تنها صحنه گرزچرخانی حاکمان و خاموشی محکومان نیست. گذشت آن برزخی که رقابت سرمایه‌ها و قدرت‌های جهانی بر سر تقسیم مجدد جهان، برای نجات از بحران، به جان خدمات رفاهی و درمانی افتادند و همه را خرج تقویت بنیه میلیتاریستی خود و دستگاه‌های سرکوب‌گشان کردند؛ امروز مردم از ایران تا تونس و لبنان و تاشیلی و فرانسه و آمریکا بر سر پلاتفرم و رقابت دولت‌ها و طبقات حاکم علیه هم به حرکت در نیامده‌اند؛ برعکس، هرچه دامنه فشار از پایین به سمت بالا، حول رفاه و معیشت و روی پاهای خود فرشته‌تر می‌شود، هرچه دامنه اعتراضات و مطالبات طبقه کارگر و محرومان جوامع بشری با پرچم مستقل خود وارد صحنه می‌شوند، به همان درجه هم اردوی سرمایه و دولت‌های آن وادار به عقب‌نشینی می‌شوند. کرونا، نه فقط پاسخ مومبایی‌های از گور برخاسته بورژوازی ملی در شمایل «ترامپ» و «برگزیت» و جمهوری اسلامی به معضلات قرن بیست و یکم را بار دیگر باطل کرد، بلکه حتی فراتر از آن، میخی بر تابوت نظام «آزاد» بازار و دموکراسی پارلمانی آن کوبید؛ کسی بیش از این برای «انتخابات»، پارلمان، تاجریسم و ریگانیسم با شعار «هرچه ثروتمندان ثروتمندتر شوند، شغل ایجاد می‌شود و چیزی هم به پایینی‌ها می‌رسد»، تره خورد نمی‌کند؛ اکنون و در جهان پسا-کرونا، افسار تعرض بورژوازی و دولت‌های رنگارنگ آن به سطح رفاه، معیشت و آزادی شهروندان، تنها با کوبیدن میخ دخالتگری ساختارشکنانه طبقه کارگر و کمونیست‌ها در عرصه سیاست مهار می‌شود.

در دل تاریخ خونباری از جنگ و مقاومت در مقابل به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ توسط ضدانقلاب اسلامی، از کردستان، سنگر یک دهه دفاع توده ای، سازمان یافته و متحزب از دست‌آورد‌های انقلاب، تا مقاومت دانشجویان و میلیون‌ها زن و دختر جوان در مقابل تعرض به ابتدایی‌ترین حق انسانی خود، از مقاومت طبقه کارگر در مقابل تعرض به معیشت و حرمت و کرامت انسانی، جنگ و مقاومتی به وسعت سراسر ایران جریان داشت که قریب یک دهه دوام آورد این مقاومت و جنگ «رویارو» این روزها و پس از چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی، پس از دیمه سه سال قبل بار دیگر به شکل و در قامت دیگری به جدال «قدرت بالا» آمده است! اگر پس از چهل سال، چیزی آن گذشته خونبار و آن تاریخ خونین را، به امروز وصل می‌کنند و آنچه که امروز به بررسی انقلاب ۵۷ و یادآوری آن موضوعیت می‌دهد، میراث آن انقلاب برای جنبش محرومان، برای انقلابیون امروز و برای ما کمونیست‌ها، بعنوان «شکست نخوردگان» آن انقلاب است. انقلابی که نه پیروزی که شکست آن، حاکم شدن یکی از مخوف‌ترین اعجوبه‌های قرون وسطایی قرن، این فرزند خلف و مشروع بورژوازی جهانی برای نجات نظام کاپیتالیستی را ممکن کرد و آن را بر یک جامعه شهری و صنعتی تحمیل کرد! آنچه که آن گذشته را به امروز وصل می‌کند و برای ما انقلابیون پیگیر، ما کمونیست‌ها، برای طبقه کارگر و هشتاد میلیون جوان و نوجوان دختر و پسر و مردم به تنگ آمده از فقر و بی حقوقی و توحش حاکمیت، آن احساس و اعمال قدرتی است که در اذهان ما، در روح و روان و خودآگاهی ما، ریشه‌های عمیق دوانده است. میراث آن انقلاب برای امروز، نه فجایع و مصائب عظیم و هالوکاستی که بنام آن انقلاب طی چهل سال گذشته صورت گرفت که بزهرایی است از بلوغ و خود آگاهی طبقه کارگر، کمونیسم امروز و معاصر ایران که در جامعه ریشه‌های عمیق و محکمی دوانده است! میراث انقلاب ۵۷ نسل‌هایی است که چهل سال به امید و در رویای «این‌ها هم رفتنی هستند»، «قبلی را انداختیم»، «این‌ها را هم میتوانیم بیندازیم»، متولد شدند و امروز بخشی به «میان‌سالی» پا گذاشته‌اند! این آن واقعیتی است که امروز را به دیروز و انقلاب سوم در ایران را به دو انقلاب شکست خورده قبلی، مشروطه و بهمن ۵۷ وصل می‌کند و وصل نگاه می‌دارد.

اگر امروز دو صف، طرفداران نظام سرنگون شده و طرفداران نظام در حال سرنگونی را نگاه کنیم دشمنی هر دو با هر نوع انقلاب و انقلابیگری برای بهبود و تغییر را میتوان به روشنی دید! یکی با «اعلام عزای عمومی» تلاش می‌کند مصائبی که ارتجاع اسلامی، برای حفظ نظام کاپیتالیستی آفریدند را دستمایه «مقیولیت» بخشیدن به گذشته بدهد! و دیگری با مراسم دهه فجر و «شادباش» به خاطر تولد هالوکاست اسلامی و به قدرت رسیدن یکی از جنایتکارترین حکومت‌های قرن، خود را پشت موجودی که آن را به قتل رساند یعنی «انقلاب» و «انقلابیگری» پنهان کند! هر دو صف، در ترساندن مردم از انقلاب و انقلابیگری و دخالت پایین به قدرت خود برای تغییر و تعیین سرنوشت خود، برای هرنوع ابراز وجود و اعمال قدرت پایین، همسو و هم جهت‌اند! امروز جامعه هشتاد میلیونی ایران با حفظ میراث آن انقلاب، امکان پذیر بودن به زیرکشیدن «قدرت بالای سر» توسط «قدرت پایین»، می‌رود که انقلاب سوم خود را شکل بدهد. انقلابی که کمونیست‌ها تضمین می‌کنند و تلاش می‌کنند یک انقلاب کارگری پیروز و موفق باشد! انقلاب کارگری که با کمترین خسارت برای پایین و بیشترین تعرض به بالا و علیه بنیادهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی قدرت حاکم، به پیروزی برسد! روح انقلاب و انقلابیون ۵۷ در تمام چهل سال حاکمیت ضدانقلاب اسلامی، هر لحظه و هر روز زنده بود و چند سالی است که بر بالای سر بورژوازی ایران، در قدرت و در اپوزیسیون، به پرواز در آمده است! احساس قدرت، احساس احترام به خود در مقابل بالا، احساس قابلیت به زیر کشیده شدن قدرت بالای سر، در حافظه جامعه و در روانشناسی هشتاد میلیون چهل سال گرفتار در چنگال یک حکومت قرون وسطایی، زنده شدنی نیست. آن انقلاب شکست خورد و عامل شکست آن به قیمت جنایات قریب به نیم قرن، حاکمیت فعلی است. انقلاب بی تقصیر است! انقلابیگری و قدرت نمایی و ابراز وجود پایین به شیوه رادیکال و ریشه ای اما زنده است. آن انقلاب مرد اما انقلاب و انقلابیگری بخصوص در حافظه و روانشناسی و روحیه مردمی که دوبار انقلاب کرده‌اند و یک بار قادر به زیرکشیدن قدرت بالا شده‌اند، زنده است و قلبش می‌تپد.

حزب کمونیست (خط رسمی) ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

«قاضی» و «راوی» تاریخ مقاومت برحق مردمی که بیش از یک دهه علیه همین «قاضی» و «راوی» جنگیدند، خودنمایی کند. «قاضی» و «راوی»، که بر جامعه شان سراسر خون پاشید.

اتکا به عملکرد جریان‌ات ناسیونالیستی و قومی، نیروهایی که جمهوری اسلامی سنتا به آنها برای مقابله با مبارزه آزادیخواهانه مردم و کمونیست‌ها در کردستان تکیه کرده است، برای مخدوش کردن نفس مقابله و مقاومت بر حق در کردستان و کمونیست‌ها، امروز بیش از هر زمانی مضحک است. جدال ما کمونیست‌ها، ما سازماندهندگان و فعالین شکل دادن به مقاومت در مقابل ارتجاع اسلامی و یورش به کردستان، سازماندهندگان مقاومت از مراکز کارگری و دانشگاهها، تا اعتراضات زنان علیه حجاب اجباری، از ترکمن صحرا تا زندانها و... برگهایی زرین از تاریخ جدال طبقاتی در ایران و برای دستیابی به آزادی و برابری است.

دلیل «مستند سازی» های ابلهانه صدا و سیما علیه مقامت و مقابله مردم آزادیخواه و کمونیست‌ها در کردستان و این تاریخ، در تمام طول تاریخ چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی، فقط و فقط گره خوردن آن مقاومت و مبارزه، به مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، مقاومت در آن روز و تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی در شرایط امروز است. تکرار اراجیف چهل سال قبل در مورد آن جدال انقلابی توسط دستگاه پروپاگاندا حکومت، هراس از خطر دیگری است تا صرف خطر زنده ماندن آن تاریخ در اذهان جامعه! دلیل واقعی این تلاش جبهه‌ها هراس از قدرت کمونیست‌ها، هراس از اعتبار و اتوریته کمونیست‌ها دقیقا به دلیل نقش آنها در سازمان دادن مقاومت و جنبشی توده ای و اجتماعی در کردستان ایران، در همه عرصه ها، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، نظامی و فرهنگی است. هراس از اعتبار و اتوریته کردستان سرخ و کمونیسم در اذهان مردم آزادیخواه در سرتاسر ایران، هراس از تکرار آن مقابله اجتماعی، مردمی، سازمان یافته و متحزب، در سرتاسر ایران است.

امروز سایه جنبشی توده ای برای سرنگونی، جنبشی که طبقه کارگر و کمونیست‌های این طبقه در راس آن قرار دارند، زمین را زیر پای ارتجاع حاکم به لرزه در آورده است. مبارزه ای که علیرغم تلاش جمهوری اسلامی و کل صف ارتجاع برای قومی، ملی، مذهبی کردن آن و دامن زدن به انشقاق در صف مردم آزادیخواه، برای رفاه و آزادی و برابری راه خود را هموار میکند. چنین جنبشی را نمیتوان با دلک بازیهایی اینچنینی عقب راند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست (خط رسمی)
۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱

**«دنیا بدون فراخوان
سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم و
بدون خطر
سوسیالیسم به
چه منجلائی بدل میشود..»**

پروپاگاندا بی اعتبار کردن کمونیسم در کردستان، مخدوش کردن چهره رهبران و سازماندهندگان یک مقاومت توده ای در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در دفاع از دستاوردهای خود در انقلاب ۵۷، چهار دهه قبل و در دوره «قدر قدرتی» جمهوری اسلامی مهر باطل خورد. چهار دهه قبل تلاش ارتجاع اسلامی و قداره بندگان آن در تسخیر ایدئولوژیک، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردستان ایران با جنگ و مبارزه و مقاومتی ده ساله از طرف یک جنبش مردمی، مترقی، پیشرو، چپ و کمونیستی در این بخش از ایران، شکست خورد! جمهوری اسلامی هرگز قادر نشد در کردستان ایران ریشه بدواند. تنها شکست انقلاب در سراسر ایران، برکات جنگ با عراق و هالوکاست اسلامی توانست کردستان ایران را برای جمهوری اسلامی ایران قابل تحمل کند!

از سرگیری این سیاست شکست خورده، پس از خیزشهای دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده ای به وسعت ایران، بیش از هر چیز بیان موقعیت بحرانی امروز جمهوری اسلامی است. تلاش پست و مفتضحانه دستگاههای پروپاگاندا جمهوری اسلامی علیه مردم آزادیخواه کردستان، علیه احزاب سیاسی و خصوصا علیه کمونیست‌ها در این دوره، برای مردم ایران بیش از هر چیز حاکی از حقانیت آن مقاومت و معتبر بودن نقش کمونیست‌ها در آن، ماندگاری تأثیرات قابل ستایش آن برای نسل جوان و خواهان مقاومت و انقلاب در امروز ایران است.

صدور حکم جهاد و حمله نظامی اوباش اسلامی به کردستان بدستور خمینی، به عنوان بخشی از پروسه تحمیل جمهوری اسلامی به مردمی بود که در سراسر ایران برای رفاه، آزادی و جامعه انسانی حکومت پهلوی را سرنگون کرده بودند و در مقابل بختک اسلامی همه جا دست به مقاومت زده بودند. حمله به کردستان ادامه «انقلاب فرهنگی» و حمله به دانشگاهها، به سازمانهای سیاسی، حمله به نیروهای چپ و کمونیست، حمله به تشکل های کارگری، زنان و رها کردن افسار گله های بسیجی و حزب الهی علیه انقلابیون و آزادیخواهان در تهران و همه شهرهای بزرگ ایران بود. حمله به کردستان، راه انداختن دادگاههای صحرایی توسط جلالانی چون خلخالی و... بخشی از پروژه ناتمام سرکوب انقلابیون ۵۷ و عقب راندن مردمی بود که برای رفاه و آزادی و برابری انقلاب کرده بودند. مقابله و مقاومت مردم آزادیخواه در مقابل لشکرکشی به کردستان، در مقابل توپ و خمپاره باران شهر و روستاها نیز امتداد مقاومت سراسری مردم ایران در مقابل تعرض جمهوری اسلامی بود. نفرت عمومی مردم کردستان از جمهوری اسلامی و تن ندادن به حاکمیت این ارتجاع به یمن نفوذ و نقش اساسی کمونیست‌ها و سازمانهای چپ، کردستان را به سنجر دفاع از آزادی، دفاع از انقلاب ۵۷ و دستاوردهای آن تبدیل کرد. مقاومت کمونیست‌ها در مقابل ارتجاع حاکم، کردستان سرخ، کردستان چپ و رادیکال که جمهوری اسلامی را به زانو در آورد، را نمیتوان با چنین تبلیغات پوچ و نمایشی مضحک خدشه دار کرد. کردستان ایران برای همه انقلابیون سنجر دفاع از آزادی و انقلاب، سنجر دفاع از دستاوردهایی بود که به قدرت خود در انقلاب شان بدست آورده بودند. قلب این سنجر، به رهبری جریان چپ و کمونیسمی ایران، بیش از یک دهه در بعد اجتماعی و سراسری در کردستان ایران، پرطپش بود.

از سرگیری این تلاش علیه مردم کردستان و بخصوص علیه سازمانهای چپ و کمونیست، تلاش در منزوی کردن سنجر دفاع از انقلاب و آزادی همان چهل سال پیش شکست خورد و امروز که سراسر ایران، از کردستان تا تهران و خوزستان و خراسان و آذربایجان و گیلان و مازندران و ... علیه ارتجاع اسلامی حاکم چون پیکره ای واحد ایستاده است، تلاش برای منزوی کردن کردستان از مبارزات سراسری مردم در ایران، به امید و با نوستالژی چهل سال قبل، از پیش محکوم به شکست است.

حاکمیتی با پرونده صدهزار اعدام، قتل‌های زنجیره ای، ترور مخالفین سیاسی، کشتار و جنایت و توحش در موقعیتی نیست که در قامت

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

سناریوی سوخته «مستند لبه دوم تیغ»

سه‌دند حسینی

اسلامی بتواند خللی در این موقعیت ایجاد کند، هردرجه بتواند، در ایجاد وحشت و دستگیری و زندان و همچنین ایجاد شکاف و شکستن این نماد و سنگر مقاومت و مبارزه موفق شود، میتواند تناسب قوا را در جامعه به نسبت خود تغییر دهد. طرح و سناریویی که از طرف کمونیستها و مردم آزادیخواه چهل سال پیش شکست خورد و دوباره شکست خواهد خورد. حکومت اسلامی کوتاه بینانه تلاش می کند تعرض خود را از حلقه ضعیفی شروع کند و ضرب شست نشان دهد. «کارشناسان» و «مستندسازان» جمهوری اسلامی روی موقعیت بحرانی احزاب ناسیونالیستی کرد، روی بی اعتباری آنان در جامعه کردستان بعنوان حلقه ضعیف زیادی سرمایه گذاری کرده اند. غافل از اینکه این جریانات نیز به اندازه خود جمهوری اسلامی به جامعه شهری کردستان، به مبارزه آزادیخواهان و برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در کردستان بی ربط و نچسب هستند.

مستند سازان جمهوری اسلامی ناشیانه تلاش میکنند نشان دهند که کردستان بدون حاکمیت جمهوری اسلامی مساوی است با حاکمیت ترور، زندان و جنایت و... تلاش می کنند با القا تصویر خوفناکی که مستند «لبه دوم تیغ» از نیروهای سیاسی در کردستان می دهد سابقه هولناک و جنایتکارانه خود را لاپوشانی کند. چنین تلاشی زیادی نامشروع و به واقعیات زندگی مردم در ایران نچسب است. استقرار و حاکمیت این رژیم خود نتیجه یک قتل عام سیستماتیک و سبعانه از مردم انقلاب کرده بوده است. این رژیم بدون دست بردن به یک هولوکاست اسلامی و به خاک و خون کشیدن جامعه ممکن نبود چند صباحی دوام بیاورد. جامعه ایران چهار دهه حاکمیت این جانان را به قیمت کشتار دهها هزار نفر از عزیزانشان با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده اند. مگر میشود با یک سناریوی حقیرانه، با تولیدات بنجلی به نام «مستند لبه دوم تیغ» و سریال «روزهای ابدی»، تاریخ معاصر را با وجود رهبران و شخصیتهای زنده ایی که در شکل دادن این تاریخ سهیم بودند و نقش ایفا کردند را تحریف کرد؟ مگر میشود ذهنیت یک جامعه چند میلیونی را که در یک روند تاریخی و در دل یک جدال عظیم سیاسی-اجتماعی شکل گرفته است را با چنین دلچک بازی هایی تغییر داد؟ چنین شعبده بازی ممکن نیست! همانطور که در سناریوهای سوخته قبلی علیه کارگران هفت تپه و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و... رژیم نتیجه معکوس گرفت، در این مورد نیز قطعاً سرش به سنگ خواهد خورد.

عبور از بحران سرنوشت ساز و وحشت از سرنگونی انقلابی، رژیم بورژوا اسلامی را به تکاپو انداخته است. جنبش وسیع اعتراضی و انقلابی، طبقه کارگری که بعنوان رهبر این جنبش عرض اندام کرده است، زمین را به شدت زیرپای حاکمیت داغ کرده و پایه های آنرا به لرزه در آورده است. شرایط موجود توازن قوای جدیدی را به حاکمیت اسلامی تحمیل کرده است و آنرا در ضعیفترین حلقه خود در برابر جامعه قرار داده است. مدتهاست دیگر نه «مستند سازی» ها و سریالهای بنجل و نه دستگیری صدها نفر از فعالین اجتماعی و مدنی جمهوری اسلامی را از بحران و کابوس انقلاب آتی نجات نمیدهد. سرکوب و کشتار حتی در اوج اقتدار جمهوری اسلامی نتوانست مانع رشد اعتراض و تقابل مردم آزادیخواه با حاکمیت شود. چهل سال اعدام و قتل و ترور نتوانست جنبش برای به زیر کشیدن این حاکمیت را عقب براند. امروز در بطن شرایط و توازن قوای موجود دستگیریهایی وسیع و تعرض گسترده به فعالین سیاسی و اجتماعی، برای ایجاد فضای رعب و وحشت نتیجه ای جز استیصال بیشتر برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت. با این «حملات پیشگیرانه» ممکن نیست بتوانند از جامعه ایی که کمر به سرنگونی اش بسته است، زهر چشم بگیرند. حاکمیت به زانو درآمده و به بن بست خورده، در موقعیتی نیست که بتواند مردم را نه در کردستان و نه هیچ جای ایران مرعوب کند. در اعتراضات سال ۹۶ و ۹۸ مردم معترض اینرا به جمهوری اسلامی تفهیم کردند. وحشت رژیم و استیصالش از همین مرعوب نشدن جامعه است. اینها دست و پا زدنهای آخرشان است!

**«اساس سوسیالیسم انسان است،
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است..»**

پخش «مستند لبه دوم تیغ» بخشی از پروژه و سناریوی چند وجهی است که جمهوری اسلامی از طریق آن میخواهد موقعیت زیر ضرب رفته و بحرانی خود را در جامعه لاپوشانی و خود را در تناسب و توازن قوای بهتری نشان دهد. توازن قوایی که جامعه معترض ایران با اعتراضات گسترده اش در سالهای ۹۶ و ۹۸ به رژیم تحمیل کرد.

اولین بارزه های این توازن قوای جدید طبقه کارگری است که در این سالها علیرغم فضای مختنق و پلیسی با قدرت ظاهر شد و زمین را زیرپای حاکمیت اسلامی داغ کرد. اعتراض هر روزه زنان و جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلبی است که با وجود سرکوب شدید، جمهوری اسلامی را زمین گیر کرده اند. بن بست بازی جناحهای مختلف بورژوا اسلامی برای تداوم حاکمیت و عبور مردم، با صراحت از هردو جناح و تبدیل شدن ماشین سرکوب، دستگاه تحمیق و تبلیغات اسلامی، رواج فرهنگهای ارتجاعی مذهبی و ملی، دست به دامن شدن شیخ و ملا و خدا و جانوران مذهبی منکوب شده به جوک و طنز در جامعه است. عروج رهبران کارگری عملاً به عنوان رهبران اجتماعی و پشت بستن جامعه به عنوان شخصیتهای قابل اتکا به آنها است. مردم دیگر توهم شان به کل حاکمیت ریخته است و این عبور تاریخی را در شعار «اصلاح طلب، اصولگرا- دیگر تومومه ماجرا» می توان به وضوح دید.

در منطقه و در سطح جهانی هم معادلات در چند سال گذشته عموماً به ضرر جمهوری رقم خورده است. اعتراضات وسیع در عراق و لبنان و... حوزه نفوذ و دامنه دخالتهای جمهوری اسلامی را با سد روبرو کرده است. نیروها و میلیشیاهای وابسته به جمهوری اسلامی زیر ضرب اعتراضات مردم در این کشورها قرار گرفته اند. فرماندهان و رهبران عمده و متخصصین این نیروها، قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس، در مهمترین منطقه نفوذ جمهوری اسلامی، از طرف آمریکا کشته شدند. موقعیت جمهوری اسلامی در این کشورها به شدت متزلزل شده است و امکان دخالت مخرب به روال سابق از آن گرفته شده است. سیاست صدور نا امنی به کشورهای همسایه برای ایجاد امنیت «نظام» در داخل به بن بست خورده است. با در نظر گرفتن تمام این فاکتورها میتوان وضعیت بحرانی و زانو زده جمهوری اسلامی را با وضوح دید. تلاشهای جمهوری اسلامی برای عبور از این بحران و زمینگیر شدنش در جامعه ایران را باید بر چنین متنی تفسیر کرد.

کردستان به طول حیات نظام بورژوا اسلامی نماد مقاومت و مبارزه و شکست ناپذیری بوده و هست. کردستان سنگر دفاع از انقلاب، دفاع از آزادی و برابری و عروج کمونیستها بوده است. کردستان تجربه حاکمیت توده ایی و شورایی مردم را دارد و توانسته است یک جنگ مسلحانه توده ایی در تقابل با ضد انقلاب اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب ۵۷ را سازمان دهد. کردستان لولای اتصال اعتراض اجتماعی و توده ایی و کمونیستی از سنجند تا هفت تپه و اصفهان و شیراز و از مریوان تا تهران و هر جایی که ندای آزادیخواهی و مبارزه و اعتراض وجود داشته باشد، است. این ویژگی کردستان کابوس همیشگی حاکمیت در هر دوره ایی بوده است. رودرویی با یک جنبش رادیکال، توده ای به رهبری کمونیستها کابوس هر روزه سران جمهوری اسلامی بوده است. کابوس و ترسی که ایندوره برای جمهوری اسلامی بنا به موقعیت به شدت ضعیف آن در جامعه صدها بار سنگینتر و وحشت آورتر است. بی دلیل نیست برای عبور از این کابوس کردستان را انتخاب کرده است. کردستان به یمن کمونیستم اجتماعی و قدرتمند در آن، به یمن تجربه قوی کمونیستی در سازمان دادن یک جنبش توده ای رادیکال و برابری طلبانه علیه ارتجاع اسلامی و قومی، با توجه به اعتبار و نفوذ این مبارزه و مقابله در جامعه یکی از خطرناکترین شخصیتهای این کابوس است. هر درجه جمهوری



جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

یک فعال جنبش شوراها از
کردستان عراق سخن می گوید،
یادداشت‌هایی در باره یک قیام،
یک پیروزی و یک شکست.



مظفر محمدی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللہی